

Review Article

A Historical Review of the Establishment and Administration of Hospitals and Medical Education Centers in the Islamic Civilization

Reza Dashti¹

1. Assistant Professor of History of Islamic Civilization, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran.
Email: Dashti.r2012@yahoo.com

Received: 7 Mar 2018 Accepted: 12 Jun 2018

Abstract

Background and Aim: Creating a place for looking after patients has been an important issue that has been developed among different ethnic groups during the pre-Islamic period and in Islam with the guidance of the Prophet's Tradition (PBUH), caring for the wounded, constructing hospitals and the medical centers. The purpose of this article is to find the right answer to the question of how to finance the construction and administration of hospitals and medical education centers in Islamic civilization.

Materials and Methods: This research is based on a descriptive-analytical methodology and the information was collected in a library, followed by a search for historical sources in order to categorize and analyze data for the article.

Findings: In the history of Islamic civilization, the establishment and administration of hospitals would not necessarily take place with patients' money but it was financed by the wealthy men of the time. In Islam, hospital has a close relationship with the social, economic, and cultural history of its era and has been an integral part of the history of the Islamic culture and civilization.

Conclusion: There were various ways in Islamic civilization to finance the establishment and administration of hospitals and medical centers, the most important of which was the appropriation of endowments, the allocation of state funding by caliphs, kings, ministers and charities.

Keywords: Financial Resources; Hospitals; Medical Education Centers; Islamic Civilization; Bequest (Vaqf)

Please cite this article as: Dashti R. A Historical Review of the Establishment and Administration of Hospitals and Medical Education Centers in the Islamic Civilization. *Med Hist J* 2018; 10(34): 109-122.

مقاله مروری

بررسی تاریخی منابع مالی تأسیس و اداره امور بیمارستان‌ها و مراکز آموزش پزشکی در تمدن اسلامی

رضا دشتی^۱

۱. استادیار گروه تاریخ تمدن ملل اسلامی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران. Email: Dashti.r2012@yahoo.com

دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۱۶ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۲۲

چکیده

زمینه و هدف: ایجاد مکانی که در آن از بیماران مراقبت کنند، در بین اقوام مختلف پیش از اسلام وجود داشته است، در اسلام با تأسی از سنت پیامبر (ص) در مراقبت از مجروحان، زمینه ساخت بیمارستان‌ها و مراکز آموزش پزشکی فراهم شده است. یافتن پاسخ مناسب این پرسش که تأمین هزینه‌های ساخت و اداره امور بیمارستان‌ها و مراکز آموزش پزشکی در تمدن اسلامی چگونه و از چه محلی بوده است، هدف این مقاله است.

مواد و روش‌ها: روش تحقیق این مقاله از نوع توصیفی - تحلیلی مبتنی بر گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای است که پس از فیش‌برداری منابع و مآخذ تاریخی به دسته‌بندی مطالب، تحلیل داده‌ها و نگارش مقاله اقدام شده است.

یافته‌ها: نظام تأسیس و اداره بیمارستان‌ها در تاریخ تمدن اسلامی بسیار پیشرفته بوده، به گونه‌ای که در آن عصر بیمارستانی تأسیس نمی‌شد، مگر آنکه هزینه‌های آن از محل دارایی‌های دولتمردان، ثروتمندان و امور خیریه تأمین می‌شده است و نه الزاماً از جیب بیماران. بیمارستان در اسلام ارتباط نزدیکی با تاریخ اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عصر خود داشته و بخش جداناپذیری از تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام بوده است.

نتیجه‌گیری: در تمدن اسلامی راه‌های متنوع و مستمری برای تأمین منابع مالی تأسیس و اداره امور بیمارستان‌ها و مراکز آموزش پزشکی وجود داشته که مهم‌ترین آن‌ها اختصاص موقوفات، تخصیص بودجه دولتی توسط خلفا، پادشاهان، وزرا و خیران بوده است.

واژگان کلیدی: منابع مالی؛ بیمارستان‌ها؛ مراکز آموزش پزشکی؛ تمدن اسلامی؛ وقف

مقدمه

انسان مانند هر موجود زنده‌ای درگیر بیماری و مرگ بوده و هست و به همین علت تلاش انسان برای رهایی از بیماری و نجات جان بیماران از مرگ، تاریخی به قدمت حیات بشری دارد. روند ساخت بیمارستان در تاریخ بشریت ابتدا از هندوستان و بعدها در مصر، یونان، روم و ایران آغاز و سپس در تمدن اسلامی ادامه پیدا کرد و در این دوره، گستردگی چشم‌گیری یافت تا این‌که نهایتاً به تأسیس و ساخت نمونه‌های مدرن بیمارستان در عصر کنونی انجامید.

در خصوص بیان مسأله تحقیق باید گفت که روند ساخت و اداره مکانی که بیماران را در آنجا مراقبت و مداوا کنند (بیمارستان)، اساسی‌ترین مشکل و دغدغه بشریت، ادیان و مذاهب و به ویژه اسلام بوده است، چراکه ساخت، تجهیز و بهره‌برداری از چنین مکانی (بیمارستان) مستلزم هزینه‌های زیاد نه تنها در مرحله راه‌اندازی، بلکه در طول دوره بهره‌وری از آن مکان است، به ویژه که تهیه دارو و ملزومات مورد نیاز و دستمزد پزشکان و سایر کادر درمانی خود مسأله بسیار مهم، پیچیده و حیاتی است تا این قشر زحمت‌کش بدون دغدغه بتوانند به التیام درد بیماران بپردازند و تنها دغدغه آنان ارائه راه‌کار در مداوای بیماران باشد و نه تهیه منابع مالی برای تأسیس و یا اداره مراکز درمانی باشد، در طول تاریخ و تمدن ملل اسلامی بسیار دیده شده است که مراکز درمانی به دلیل عدم تأمین منابع مالی نتوانسته‌اند به مأموریت خود ادامه دهند و نهایتاً این امر منجر به تعطیلی و ویرانی آن مراکز گردیده است. در این پژوهش سعی خواهد شد تا در قالب پاسخ به پرسش اصلی تحقیق، روش‌های پایدار تأمین منابع مالی بیمارستان‌ها و مراکز آموزش پزشکی در تمدن اسلامی ابتدا مورد شناخت و سپس بررسی و کنکاش قرار گیرد تا به نوعی بتوان از تجربه‌های موفق گذشته جهان پهنور اسلام، در عصر کنونی نیز استفاده شود و خدمات ارزشمند بهداشتی و درمانی در مناطق گسترده‌تر و به افراد بیشتری ارائه گردد، لذا به همین منظور سعی شده تا بیمارستان‌های مختلف در گوشه و کنار جهان اسلام مورد اشاره و تمثیل قرار گیرد و تنها معیار برای گزینش آن‌ها هویت اسلامی آنان باشد، البته باید گفت

که تاکنون کتاب‌ها و مقالات متعددی درباره تاریخ بیمارستان‌ها در اسلام و ایران به نگارش درآمده است که از جمله آن‌ها کتاب تاریخ بیمارستان‌ها در اسلام تألیف احمد عیسی بک مصری، تاریخ طب در ایران، اثر محمود نجم‌آبادی، تاریخ بیمارستان‌های ایران حسن تاج‌بخش و تاریخ درمان پزشکی و بیمارستان‌ها در اسلام و ایران، دکتر علی‌اکبر ولایتی و... را می‌توان نام برد. این کتاب‌ها به صورت عمومی به سیر تطور تاریخ بیمارستان‌ها در اسلام و ایران پرداخته‌اند و تنها در مواردی به صورت مختصر و گذرا به منابع مالی تأسیس و اداره امور بیمارستان‌ها و مراکز آموزش پزشکی در تمدن اسلامی، اشاره‌ای نموده‌اند. همچنین در سال‌های اخیر مقالات مختلفی در بحث تأمین منابع مالی بیمارستان‌ها به نگارش درآمده که عموماً به اوضاع مالی بیمارستان‌ها در عصر حاضر پرداخته‌اند و کم‌تر ارتباطی به تأمین منابع مالی تأسیس و اداره بیمارستان‌ها در قرون گذشته تاریخ تمدن اسلامی دارند، از جمله این مقالات: تأثیر نظام تأمین مالی در بهبود عملکرد بیمارستان‌ها از نغمه صادقی و حسین زارع، تخصیص منابع مالی نظام مراقبت سلامت از دیدگاه اخلاقی اثر احسان شمس و سخا علی‌پوری و یا عدالت در نظام سلامت: مروری بر نظام دریافت و پرداخت در خدمات سلامت در ایران اثر حنان حاجی محمودی و فرزانه زاهدی که همگی ضمن تحقیقات ارزشمند خود، نگاهی به اوضاع مالی بیمارستان‌های ایران در عصر حاضر داشته‌اند. در تحقیق و پژوهش حاضر ضمن استفاده و بهره‌وری از دیدگاه ارزشمند آن محققین و مآلفین سعی شده تا مباحث مالی بیمارستان‌ها و مراکز آموزش پزشکی در قرون پیشین تمدن اسلامی، در گستره وسیعی از شمال آفریقا تا ایران و آسیای میانه را به تصویر بکشد و سیر منطقی منابع مالی آن‌ها که همگی مبتنی بر فرهنگ و آموزه‌های اسلامی است را بررسی و ارائه نماید.

اهمیت انتخاب این موضوع در این است که این موضوع درصدد است تا گوشه‌ای از پیشرفت‌های بهداشتی درمانی مسلمانان در گذشته تمدن اسلامی در حوزه کمک به تأمین منابع مالی مراکز درمانی و بهداشتی و اداره آن‌ها ارائه نماید. هدف از انجام این مطالعه و تحقیق علی‌رغم تحقیقات قبلی

داشته‌اند، فیش‌برداری شده و سپس به دسته‌بندی مطالب، تحلیل داده‌ها و سپس نگارش مقاله اقدام شده است و در پایان به نتیجه‌گیری متقن و علمی بر پایه داده‌های تاریخی اقدام شده است.

یافته‌ها

ایجاد مراکز - هرچند محدود و غیر مستقل - برای مراقبت و درمان بیماران و درمندان از پیش از اسلام در بین ملل باستانی مثل هندوها، مصریان، ایرانیان، یونانیان و رومی‌ها وجود داشته است. در اسلام حاکمان مسلمان به تأسی از اقدام پیامبر (ص) در مراقبت از زخمیان در جنگ خندق، از ابتدا اهتمام خاصی به ایجاد مراکز درمانی داشته‌اند. نظام تأسیس و اداره بیمارستان‌ها در تاریخ تمدن اسلامی نسبت به دوره‌های پیش از اسلام بسیار پیشرفته بوده، به گونه‌ای که در آن عصر بیمارستانی تأسیس نمی‌شد، مگر آنکه هزینه‌های آن از محل دارایی‌های دولتمردان، ثروتمندان و امور خیریه تأمین می‌شده است و نه از جیب بیماران و مراجعین. تاریخ بیمارستان در اسلام ارتباط نزدیکی با تاریخ اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عصر خود داشته و بخش جداناپذیری از تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام بوده است.

۱- بررسی روند شکل‌گیری و تأسیس بیمارستان در تمدن اسلامی

۱-۱- واژه‌شناسی «بیمارستان»: در خصوص واژه بیمارستان باید گفت که این واژه، کلمه‌ای مرکب است که از دو جزء «بیمار» و پسوند مکانی «ستان» تشکیل شده است که در اصطلاح به مکان، خانه یا عمارتی گفته شده است که توسط خلفا، سلاطین یا افراد توانمند و عموماً صاحب منصب دولتی ساخته می‌شده است و برای رسیدگی و پرستاری و مداوای افراد بیمار بی‌بضاعت به صورت رایگان اختصاص می‌یافته است، البته این کلمه در اشکال «مارستان» یا «بیمارخانه»، «دارالشفاء» یا «دارالمرضی» هم کاربرد داشته است (۱).

کلمه بیمارستان در مناطق مختلف قلمرو اسلامی با اشکال مختلفی به کار می‌رفته است، از جمله در اندلس «مالاستان»

این است که این تحقیق درصدد نشان‌دادن راه‌کارهای مطمئن و موفق مسلمانان در سرزمین‌های مختلف جهان اسلام در تأسیس و اداره بیمارستان‌ها و مراکز آموزش پزشکی در قرون گذشته تمدن اسلامی است، یعنی سابقه درخشانی که در فرهنگ و تمدن اسلامی وجود داشته و حتی امروزه هم قابل رجوع و استفاده می‌باشد، چیزی که کم‌تر در تحقیقات امروزی بدان توجه می‌شود.

روش تحقیق در این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی مبتنی بر گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای با استفاده از هم منابع و مأخذ دست اول و هم تحقیقاتی است که پس از فیش‌برداری داده‌ها و اطلاعات تاریخی آنان، به دسته‌بندی مطالب، تحلیل داده‌ها و نگارش مقاله اقدام شده است.

پس از بیان مسأله، این مقاله درصدد پاسخ به این سؤال است که محل تأمین هزینه‌های ساخت و به ویژه اداره امور بیمارستان‌ها و مراکز آموزش پزشکی در تمدن اسلامی به چه شکل و از کجا بوده است؟ در ادامه روند تحقیق این نتیجه حاصل گردید که منابع مالی ساخت و اداره امور بیمارستان‌ها و مراکز آموزش پزشکی در تمدن اسلامی به مانند خود جهان اسلام که کلیتی بسیار پهناور و وسیع داشته است، هم متنوع و هم مستمر بوده است.

مهم‌ترین محدودیت در این تحقیق عدم دسترسی فیزیکی محقق به موارد مطرح‌شده در تحقیق به لحاظ بعد زمانی و مکانی و تاریخی بودن آن موارد است. همچنین عدم دسترسی به برخی از نسخ خطی و منابع دست اولی که در کتابخانه‌های سایر کشورها - از جمله نسخه‌های خطی دانشگاه عثمانی حیدرآباد هند - که در این زمینه احتمالاً موجود است، از دیگر موانع و محدودیت‌های تحقیق است.

مواد و روش‌ها

روش تحقیق در این مقاله از نوع تحقیقات توصیفی - تحلیلی مبتنی بر گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای است، به این شکل که ابتدا منابع و مأخذ تاریخی که مطالبی درباره بهداشت و درمان در دوران مختلف تاریخی در آن‌ها و در لا به لای مطالب وجود داشته و یا حتی اشاره‌ای به این مطلب

فعالیت می‌کرد، غیر از رسیدگی به امور بیماران و مجروحان، در قسمتی از آن به امور مربوط به دیوانگان و جذامیان هم رسیدگی می‌شده است (۴).

سنت بیمارستان سازی در دوره خلافت عباسیان با سرعت و پیوستگی بیشتری دنبال شده و هارون الرشید اولین بیمارستان عباسیان را به تقلید از بیمارستان جندی‌شاپور ایرانی در بغداد ساخت و «ماسویه» را مدیر آن نمود (۵). در همین زمان خاندان برامکه ایرانی نیز بیمارستانی در بغداد ساختند و «ابن دهن هندی» را به ریاست آن گماردند (۶).

به دنبال آن فتح بن خاقان وزیر متوکل عباسی در سال ۲۴۷ قمری، بیمارستان «معافر» فسطاط را در مصر ساخت (۷). بعدها این سنت حسنه بیمارستان سازی در سایر مناطق امپراطوری اسلامی دنبال شد و در ری در نیمه دوم قرن سوم و قرن چهارم قمری بیمارستان مشهوری وجود داشته که زکریای رازی کاشف الکلی و طبیب نامدار مسلمان ریاست آن را بر عهده داشته است، البته به استناد قرائن و شواهد تاریخی و جغرافیایی این بیمارستان را می‌توان بازمانده از عصر پیش از اسلام ایران بر شمرد (۸).

از دیگر بیمارستان‌های دوره اسلامی معاصر با عباسیان در ایران، باید به بیمارستانی که عمرو لیث صفاری در قرن سوم قمری در زرنند کرمان تأسیس نمود، اشاره کرد (۹). همچنین باید به سایر بیمارستان‌های مشهور ایران در دوره اسلامی اشاره کرد که از جمله آن‌ها بیمارستان ساخته‌شده در اصفهان بود که ابن مندویه اصفهانی در آن طبابت می‌کرد (۱۰) و بیمارستان ترمذ (۱۱)، بیمارستان فیروزآباد فارس (۱۲)، بیمارستان عضدی شیراز (۱۳)، بیمارستان ابوسعید نیشابوری (۴۰۷ ق.) معروف به خرگوشی (۱۴) و بیمارستان خواجه نظام‌الملک طوسی در نیشابور اشاره کرد (۱۴). همچنین بیمارستان‌هایی که در شمال شرقی قلمرو ایران در دوره اسلامی معاصر عباسیان ساخته شدند که از جمله آن‌ها بیمارستان خوارزم است که ابن بطوطه سیاح و جهانگرد معروف مسلمان، شرح جالبی از آن ارائه نموده است (۱۵). همچنین بیمارستان مرو (۱۶) را باید نام برد.

در مصر «مرستان» و در مغرب اسلامی «میستران» استعمال می‌شده است که در همه موارد به معنای «مریض‌خانه» و «دارالشفاء» بوده است. در وقف‌نامه‌ای که از پادشاه مسلمان قراخانی ماوراءالنهر، تمغاج بغرا در مورد بیمارستان سمرقند بر جای مانده، لفظ «دارالمریضی» برای این مکان به کار رفته است و در عهد سلجوقی تحت عنوان «دارالعافیه» و «دارالشفاء» گفته می‌شده و در نزد عثمانیان لفظ «دارالصحه»، «شفاخانه»، «بمارخانه» و «خسته‌خانه» متداول بوده و اعراب لفظ «مستشفى» را به کار می‌برند (۲).

۲-۱- تاریخچه ساخت بیمارستان در تمدن اسلامی:

برای بررسی تاریخچه بیمارستان در سرزمین‌های اسلامی و تمدن اسلامی ابتدا باید گستره این قلمرو تعریف عملیاتی شود. منظور از تمدن اسلامی و جهان اسلام در این تحقیق تمامی سرزمین‌هایی است که تحت سیطره حاکمان مسلمان است و یا سرزمین‌هایی که عمده سکنه آن مسلمان هستند، می‌شود و با این تعبیر گستره سرزمین‌های اسلامی که عنوان تمدن اسلامی بر آن اطلاق می‌شود در شرق از ماوراءالنهر، کوه‌های هندوکش و دره رود سند تا در غرب مغرب الاقصی و اندلس و در شمال از قفقاز تا جنوب در سودان را شامل می‌شود.

درباره سابقه نخستین مرکز یا محلی که به طور خاص جهت مداوا و پرستاری از بیماران یا زخمیان جنگی در تاریخ اسلام قابل بررسی باشد، باید گفت که اقدام و دستور پیامبر (ص) در برپایی چادری برای مداوای مجروحان جنگ خندق در سال پنجم قمری در محل مسجدالنبی در مدینه است که در آن زنی بنام «رفیده» انصاری به پرستاری و مداوای سعد بن معاذ انصاری پرداخت است (۳). همچنین می‌توان به دستور پیامبر اسلام (ص) به برخی از زنان مسلمان برای مداوای زخمیان در غزوات اشاره کرد.

اما ساخت اولین بیمارستان به معنای واقعی کلمه در تمدن اسلامی مربوط به دوره اموی است. ولید بن عبدالملک اموی در سال ۸۸ قمری بیمارستانی را در دمشق ساخت و تعدادی پزشک را در آن به خدمت گمارد. در این بیمارستان که تا پایان دولت امویان به عنوان تنها بیمارستان اسلامی

در همین قرن سوم قمری، یعنی در سال ۲۵۹ احمد بن طولون حاکم مصر در «قطاع» بیمارستان بزرگی ساخت و کافور اخشیدی پادشاه سلسله اخشیدی مصر نیز بیمارستانی به سبک ابن طولون در سال ۳۴۶ ق. در فسطاط مصر بنام «الاسفل» تأسیس کرد (۱۷).

در غرب اسلامی بیمارستان‌سازی را امیران اغلبی آفریقیه آغاز کردند. آن‌ها در اوایل قرن سوم قمری در شهر قیروان بیمارستان ساختند (۱۸) و این روند بیمارستان‌سازی در تمدن اسلامی پس از مغرب به سرعت در اندلس اسلامی گسترش یافت، چنانکه «مقری» خبر می‌دهد که تنها در شهر قرطبه پنجاه بیمارستان (مراکز یا واحدهای درمانی) وجود داشته است (۱۹). بعدها امیران «موحدی» و «مرینی» پرچم‌دار ساخت بیمارستان‌های پیشرفته نه تنها در اندلس که در مغرب اسلامی نیز شدند (۲۰).

اما از مشهورترین بیمارستان‌های قرن چهارم قمری، بیمارستان «عضدی» بغداد بود که عضدالدوله دیلمی پادشاه مقتدر ایرانی خاندان آل بویه آن را تأسیس کرد و این بیمارستان به مدت سه قرن تا سال ۶۵۶ ق. پا بر جا بود و به بیماران رسیدگی می‌کرد، در سال ۶۵۶ ق. هولاکوخان مغول بنیانگذار سلسله ایلخانی پس از فتح بغداد بیمارستان «عضدی» بغداد را به مرکز ستاد نظامی خود تبدیل کرد و همین امر باعث ویرانی این بیمارستان مهم اسلامی گردید (۲۱).

در خصوص بیمارستان‌های اسلامی در حوزه شام و مصر باید گفت که مشهورترین و پیشرفته‌ترین بیمارستان‌های اسلامی قبل از خلافت امپراتوری عثمانی در این دو ناحیه مهم اسلامی، مربوط به دوران اتابکان زنگی، ایوبیان و ممالیک بوده است که بیمارستان‌های نوری دمشق، بیمارستان‌های صلاح‌الدین ایوبی در اسکندریه و قاهره و بیمارستان منصوری سلطان منصور بن قلاوون در عهد ممالیک، سرآمد همه بیمارستان‌ها و برجسته‌ترین بیمارستان‌های اسلامی بوده‌اند.

۲- منابع مالی تأسیس بیمارستان‌ها و مراکز آموزش پزشکی در تمدن اسلامی

آن‌گونه که از متون تاریخی و اسناد و مدارک برمی‌آید، تلاش‌های محدود انسان‌ها برای درمان بیماران و مبارزه با

بیماری‌ها که از آغاز توجه انسان‌ها به امور درمانی و التیام آلام بیماران - که خود قدمتی به طول عمر بشر دارد - بدون توجه به این مقوله بوده که این تلاش‌ها را مستمسکی برای کسب درآمد نمایند و یا بیماران را متحمل پرداخت هزینه کنند، بلکه در نزد همه ادیان و مذاهب ابتدا پرداخت هزینه‌های درمانی از طریق منابع مالی اماکن مقدس و به عنوان رسیدگی به احوال نیازمندان انجام می‌پذیرفته است و جزء امور خیریه محسوب می‌شده است، اما در دوره‌های پیش از اسلام وقتی ملتها دارای دولت‌ها و امپراتوران قدرتمندی مانند امپراتوری ایران و روم شدند، پادشاهان و امپراتوران اقدام به ساخت بیمارستان‌هایی مستقل از معابد و اماکن مذهبی نمودند و خود هزینه‌ها و مخارج اداره این مکان‌ها را بر عهده گرفتند و آن را از بودجه عمومی دولت‌ها و یا ثروت‌های شخصی خود پرداختند.

این رویه از آغاز پیدایش حکومت‌های اسلامی به عنوان یکی از روش‌های کارآمد تأسیس بیمارستان و مراکز آموزش پزشکی معمول و مرسوم گردید. همانطور که پیش از این اشاره شد، اولین جرقه پیدایش مکانی برای مداوای بیماران و مجرمان در اسلام مربوط به سال پنجم قمری و در زمان جنگ خندق بوده است، این‌گونه که به دستور پیامبر (ص) که اولین رییس دولت اسلامی (دولت نبوی) که اختیار دار امور بیت‌المال مسلمین نیز بوده، برای مداوا و رسیدگی به حال آن دسته از زخمیانی که کسی را برای مداوا و رسیدگی به حال آنان نداشتند، خیمه‌ای برپا شد (۲۲). این روند در دوران خلفای راشدین هم معمول و مرسوم بوده است.

در ادامه اهتمام و توجه دولت نبوی و دولت راشدین به امر رسیدگی به حال مجروحان و بیماران، نخستین بیمارستان به معنی واقعی کلمه در تمدن اسلامی ابتدا در دوره اموی و توسط ولید بن عبدالملک و سپس در دوره عباسیان توسط هارون‌الرشید و از محل بودجه عمومی دولت ساخته شد و حتی مخارج اداره بیمارستان‌ها نیز از محل بودجه این دولت‌ها پرداخت گردید، البته باید گفت که هرچند اجرای این شیوه در ساخت و اداره امور بیمارستان‌ها و مراکز آموزش پزشکی در آغاز کارآمد بود، ولی اجرای این شیوه به ویژه در اداره

از جمله دیگر بیمارستان‌هایی که تأسیس آن‌ها از محل بودجه اختصاص یافته از طرف پادشاهان و امرا بوده است، می‌توان به بیمارستان «عتیق» یا «اعلی» مصر اشاره کرد که مخارج ساخت آن توسط امیر طولونی مصر، احمد بن طولون در سال ۲۵۹ قمری پرداخت شده است. گفته‌اند که میزان مخارج بیمارستان و مستغلات آن شصت هزار دینار بوده است که توسط ابن طولون پرداخت شده است. این بیمارستان نخستین بیمارستانی است که در دوره اسلامی و توسط امرای مسلمان در مصر بنا نهاده شده است (۲۵).

همچنین باید از بیمارستان «القیمری» دمشق نام برد که هزینه‌های ساخت آن توسط امیر مملوکی به نام سیف‌الدین پرداخت شده است (۲۶).

اما مهم‌ترین بیمارستانی که در مصر در دوره شکوفایی تمدن اسلامی ساخته شد و از افتخارات تمدن اسلامی به شمار می‌آید، بیمارستان «منصوری» قاهره است که هرچند بنای اولیه آن به عصر فاطمیان برمی‌گردد، ولی شکوفایی آن مربوط به دوره ممالیک است و هزینه‌های ساخت و اداره آن توسط منصور سیف‌الدین قلاوون امیر مملوکی مصر پرداخت می‌شده است. این بیمارستان با توجه به تسهیلات و امکانات فراوانی که توسط این امیر مملوکی به آن اختصاص داده شده بود، بیمارستانی همگانی و عام‌المنفعه بوده و با توجه به نوع خدماتی که ارائه می‌کرد تا آن زمان در دنیای معاصرش بی‌نظیر بوده است، از جمله این‌که به بیماران آن، پزشک و داروی رایگان و به درمان‌شدگانش لباس رایگان و به فوت‌شدگان این بیمارستان هزینه کفن و دفن پرداخت می‌شده است (۲۷).

غیر از بیمارستان‌های ذکر شده باید از بیمارستان‌های شهر قدس در فلسطین، بیمارستان مراکش و بیمارستان‌های ساخته‌شده در ایران که از جمله آنان بیمارستان ری، بیمارستان عضدی شیراز و بیمارستان رشیدی تبریز و همچنین نمونه‌های فراوان دیگری از این قبیل بیمارستان‌ها در تمدن اسلامی نام برد که هزینه‌های ساخت، تجهیز و اداره آن‌ها توسط خلفای سلاطین و امرای مسلمان تأمین و پرداخت می‌شده است و به تبعیت از رفتار خلفا و سلاطین،

بیمارستان‌ها، بعدها با مشکلاتی رو به رو گردید و به نوعی ناکارآمد گردید، چراکه اختصاص بودجه‌ای از طرف خلفا و امرا برای اداره امور بیمارستان‌ها و مراکز آموزش پزشکی بعدها به دلیل عدم علاقه و عدم توجه جانشینان خلفا و حاکمان بعدی به این مراکز و یا ضعف بنیه اقتصادی دولت‌ها در مراحل بعد، کم‌کم باعث بی‌توجهی به این بیمارستان‌ها و مراکز درمانی می‌شد و بعضاً به دلیل عدم تأمین مخارج و هزینه‌های بیمارستانی و پرسنلی آن‌ها تعطیل می‌شدند، ولی در ادامه وقتی که امرا و پادشاهان و متمولان مسلمان که متوجه این نقصان شدند، پس از ساختن مراکز درمانی و آموزش پزشکی سعی کردند تا از راه‌های مطمئن و بادوام‌تر - که متعاقباً در ادامه مقاله بیان و بررسی خواهند شد - هزینه‌های بیمارستان‌ها را تأمین کنند تا با درگذشت مؤسس بیمارستان یا ضعف بنیه اقتصادی دولت‌ها امور جاری بیمارستان‌ها و مراکز آموزش پزشکی مختل نشود و بدین‌وسیله ادامه فعالیت آن مراکز را تضمین نمایند.

روند ساخت بیمارستان و مراکز آموزش پزشکی بعدها توسط سایر خلفای عباسی و امرا و پادشاهان مسلمان و حتی برخی از وزرا و برخی از ثروتمندان جامعه اسلامی مناطق مختلف اجرا گردید که از جمله موارد زیر اشاره کرد:

بیمارستان «مقتدری» بغداد توسط المقتدر بالله خلیفه عباسی در قرن چهارم قمری ساخته شد و هزینه ساخت آن تنها توسط خلیفه عباسی پرداخت شد، ماهیانه دویست هزار دینار از محل دارایی آن خلیفه صرف هزینه‌های جاری بیمارستان می‌شد (۲۲).

همچنین بیمارستان «عضدی» بغداد از جمله بیمارستان‌هایی است که توسط پادشاه آل بویه، عضدالدوله دیلمی و با هزینه‌های فراوان در طی سال‌های ۳۷۱-۳۶۸ قمری در بغداد ساخته شد (۲۳) و پس از ساخت هم، هزینه قابل توجهی توسط عضدالدوله برای کادر فنی و درمانی این بیمارستان اختصاص یافت. این بیمارستان غیر از مداوای بیماران، مرکزی برای تدریس علم پزشکی بود که انتقال علوم پزشکی توسط بزرگان و سرشناسان علم طب فعالانه در آن انجام می‌شده است (۲۴).

وزرا، امرا، خیرین و متمکنین جامعه اسلامی نیز با تخصیص بودجه از محل دارایی‌هایشان اقدام به ساخت بیمارستان‌های مهم و معروفی در دوره تمدن اسلامی نموده‌اند که از جمله بیمارستان‌هایی که از محل بودجه وزرا و سایر خیرین مسلمان ساخته و اداره شده‌اند، بیمارستان «برامکه» است که توسط خاندان ایرانی‌الاصل برمکیان که در پرتو وزارت در دستگاه خلافت عباسی به ثروت و قدرت فراوانی دست یافته بودند، بر اساس سنت جندی‌شاپور، بیمارستانی را در بغداد تأسیس کردند. این بیمارستان و بیمارستان رشیدی از جمله بیمارستان‌های اولیه شهر بغداد بودند (۲۸). بیمارستان «نظامیه» بغداد نیز که توسط خواجه نظام‌الملک طوسی وزیر ملک‌شاه سلجوقی در نیمه دوم قرن پنجم قمری ساخته شد، از جمله این بیمارستان‌ها و مراکز آموزش پزشکی اسلامی بود که توسط وزرای مسلمان ساخته شده‌اند. خواجه نظام‌الملک ضمن احداث مدارس نظامیه در بغداد و برخی از شهرهای ایران در کنار هر یک نیز بیمارستانی احداث کرد، او در بغداد نیز در نزدیکی مدرسه نظامیه، بیمارستان «نظامیه» را دایر نمود (۲۹).

از دیگر بیمارستان‌هایی که توسط مسلمانان خیر و متمکن در دوره شکوفایی تمدن اسلامی ساخته شده‌اند، می‌توان به بیمارستان «مشهد کاظمین» اشاره کرد که توسط مؤیدالدین محمد بن عبدالکریم قمی ساخته شده بود. مؤیدالدین ضمن ساختن بیمارستان، داروخانه مجهزی نیز ساخت و هر دو را وقف مزار امام موسی کاظم (ع) و امام جواد (ع) نمود، این مؤسسات خیریه مؤیدالدین قمی تا زمان هندوشاه نججویی (قرن هشتم قمری) بر پا بوده‌اند (۳۰). از دیگر منابع مالی تأسیس بیمارستان در اسلام که پادشاهان و امرا باز هم به تأسی از رفتار پیامبر (ص) در جنگ احد که «دستور دادند اسرای غیر متمکن با سواد به جای فدیة و پول بازخرید جانشان، خدمتی به علم انجام داده و هر کدام ده نفر از مردم را نوشتن بیاموزند، می‌توانند آزاد گردند» (۳۱) اقدام نموده‌اند باید به مورد زیر اشاره نمود که:

نورالدین محمود زنگی بیمارستان «نوری» دمشق را در سال ۵۴۹ قمری به شکلی زیبا و باشکوه و مجهز از محل فدیة

آزادی یک شاهزاده اسیرشده مسیحی که در جنگ‌های صلیبی به اسارت مسلمانان درآمده بود، احداث کرد این بیمارستان به مدت سه قرن بی‌هیچ دستمزدی بیماران را معالجه و به آنان داروی رایگاه می‌داده است (۳۲). بیمارستان «نوری» دمشق یکی از بیمارستان‌های اسلامی بود که مدرسه آموزش طب هم داشت و پزشکان ضمن رسیدگی به وضعیت بیماران به تدریس علم پزشکی و سخنرانی درباره یافته‌های جدید پزشکی در آن اقدام می‌نمودند، دوره‌های درس و سخنرانی‌های پزشکی در این بیمارستان به دلیل عدم دخالت دولت در امور داخلی آن، کاملاً آزاد بود و اساتید و پزشکان بیمارستان نوری دمشق ۳۶ جلد کتاب در گرایش‌های مختلف علم طب، تألیف کردند که بدون شک در خور توجه بوده است (۳۳). بیمارستان «نوری» که در محله صالحیه دمشق قرار داشته پس از گذشت هشت قرن در سال ۱۳۱۷ قمری با همان بنای زیبای قدیمی به صورت مدرسه طب درآمد است (۳۴).

در مواردی دیده شده است که تأسیس بیمارستان‌ها یا مدارس آموزش طب در تمدن اسلامی از اموال و یا ماترک اموات و براساس وصیت آن‌ها انجام شده است. از جمله این موارد گفتنی است که یکی از برجسته‌ترین پزشکان و استادان طب بیمارستان و مرکز آموزش طبی «نوری» دمشق بنام ابن الدخور است که هنگام مرگ وصیت کرد تا منزلش به صورت مدرسه آموزش طب درآمد (۳۵).

البته باید اضافه کرد که پزشکان خیر بسیاری در حوزه تمدن اسلامی بوده‌اند که یا به مداوای رایگان بیماران اقدام می‌کرده‌اند و یا در تأسیس بیمارستان‌ها و مراکز آموزش پزشکی فعالیت نموده‌اند که از جمله آن‌ها باید به محمد بن زکریای رازی ایرانی اشاره کرد که ضمن بر عهده‌داشتن ریاست و مدیریت بیمارستان ری و در مقطعی بیمارستان بغداد در معالجه بیماران مستمند و بی‌بضاعت به صورت رایگاه و کمک مالی به بیماران فعال بوده است، در حالی که او خود زندگی ساده و فقیرانه‌ای داشته است (۳۶). رازی به قول زیگرید هونکه محقق آلمانی، یکی از بزرگ‌ترین پزشکان تاریخ بشریت بوده است.

منابع مالی پایدار ادامه فعالیت بیمارستان‌ها و مراکز آموزشی وابسته به آن‌ها میسر نبود. بنابراین در تمدن اسلامی راه‌های متعددی برای این مهم وجود داشته است که کارآمدترین و مؤثرترین راه تأمین منابع مالی اداره بیمارستان‌ها و مراکز آموزشی وابسته به آن‌ها عمل خدایپسندانه وقف بود که شامل وقف املاک، مستغلات و حتی وقف توان جسمی افراد و استعدادی‌های خدادادی آن‌ها نیز می‌شده است، البته غیر از وقف، منابع دیگری از جمله اختصاص بودجه دولتی به صورت ماهیانه و سالانه و استفاده از توان مالی انجمن‌های خیریه نیز وجود داشته که در مقایسه با عمل مهم وقف از اهمیت کم‌تری برخوردار بوده‌اند.

۱-۳- وقف؛ مهم‌ترین منبع مالی استمرار فعالیت‌های

بیمارستان‌ها و مراکز پزشکی در تمدن اسلامی: وقف در لغت به معنای ایستادن و آرام گرفتن است (۴۰) و در اصطلاح فقهی عبارت است از حبس نمودن شیء و قراردادن منافع حاصله از آن برای موقوف علیه است. مالی که وقف می‌شود باید عینی باشد که سودبردن از آن، موجب از بین رفتن اصل آن نشود (۴۱).

از آنجایی که یکی از انواع راه‌های وقف، وقف اموال و دارایی در جهت ساخت امور زیربنایی عام‌المنفعه است و از جمله این امور ساخت، تجهیز و نگهداری بیمارستان‌ها به عنوان امور عام‌المنفعه است که در مقوله امور زیربنایی در اسلام جای گرفته‌اند، لذا اسلام و حکومت‌های اسلامی خود را ملزم به هزینه در انجام این مهم (ساخت بیمارستان و مراکز آموزش پزشکی و همچنین اداره امور آن‌ها) به عنوان امور زیربنایی می‌دانسته‌اند (۴۲).

از طرفی چون هزینه‌های درمانی جزء مصارف واجب در اسلام است، پیامبر اسلام (ص) و حکومت‌های اسلامی اهتمام خاصی به امر بهداشت و درمان داشته‌اند، این نوع توجه به بهداشت و درمان و نگاه مثبت پیامبر اسلام (ص) و حکومت‌های اسلامی به این مقوله باعث شد تا مسلمانان ثروتمند و متمکن، سرمایه و امکانات خودشان را به عنوان مخارج مشارکت اجتماعی به صورت داوطلبانه در اختیار بیمارستان‌ها و مراکز آموزش پزشکی به عنوان مراکز عام‌المنفعه

در مواردی نیز سلاطین مسلمان و یا متمکنین جامعه اسلامی برای انجام اموری، نذر می‌کرده‌اند که در صورت عنایت الهی و انجام یافتن کار مهمی، برای خدمت به خلق خدا بیمارستان و مراکز آموزش پزشکی بسازند که از جمله می‌توان به بیمارستان «منصوری» مصر که الملك المنصور قلاوون برای ادای نذر خود در سال ۶۸۳ قمری آن را تأسیس کرد، اشاره نمود (۳۷). برای ساختن این بیمارستان کارگران و هنرمندان و معماران بسیاری فعالیت داشتند و الملك المنصور خود نیز در کار بنایی آن شرکت می‌کرد. در کنار این بیمارستان مسجد جامع و مدرسه‌ای بنا گردید که در آن دروس پزشکی تدریس می‌شده است (۳۸). وقتی ساختمان بیمارستان بزرگ منصوری به پایان رسید، الملك المنصور پزشکان عمومی، چشم‌پزشکان، جراحان و شکسته‌بندان را برای درمان بیماران زن و مرد به کار گمارد. او همچنین پرستاران و خدمتکاران زن و مرد و کارکنانی را برای خدمت به بیماران و رسیدگی به جایگاه و نظافت و شستن لباس‌های آنان با حقوق کافی استخدام کرد. وی برای مبتلایان به تب، بیماران چشمی، زخمی‌ها، مبتلایان به اسهال و همچنین برای زنان بخش‌های اختصاصی تعیین نمود و افزودن بر آن، جایگاه‌هایی جداگانه برای طبخ غذاها و تهیه شربت‌ها، داروها و معجون‌ها و مکانی برای جمع‌آوری داروهای گیاهی و همچنین محلی برای تدریس رییس پزشکان (آموزش پزشکی) اختصاص داد. ابن جبیر شرح مفصل و مسبوطی از این بیمارستان مدرن اسلامی که در شهر قاهره مصر و بر مبنای نذر الملك المنصور قلاوون ساخته شده بود، در سفرنامه‌اش آورده است (۳۹).

۳- منابع مالی اداره بیمارستان‌ها و مراکز آموزش پزشکی در تمدن اسلامی

برای شرح، تفسیر و تحلیل فعالیت‌های بیمارستان‌ها و مراکز آموزش پزشکی در تمدن اسلامی باید به این نکته بسیار مهم توجه نمود که پس از تأسیس آن مراکز، آغاز، انجام و استمرار خدمات بیمارستان‌ها و مراکز آموزش پزشکی منوط به داشتن منابع مالی و تجهیزات متمرکز و کارکنان ماهر و متخصص بود که آن نیز خود تابع وجود و استمرار بودجه و منابع مالی بوده است، چراکه در صورت عدم تأمین و تخصیص

که نقش مهمی در کمک به بیماران، بیچارگان و درماندگان داشتند و در اسلام به همه آن‌ها سفارش شده بود، قرار دهند (۴۲).

تأمین مخارج بیمارستان‌ها از طریق وقف باعث می‌شد که پذیرش بیمار در آن‌ها بدون گزینش باشد و تمام مردم قلمرو اسلامی از هر نژاد و جنسیت و مذهبی از خدمات آن‌ها به طور یکسان استفاده کنند و از طرفی چون استفاده از بیمارستان‌ها - به دلیل تأمین هزینه‌های آن‌ها از طریق وقف - هزینه‌ای را بر بیماران تحمیل نمی‌کرد، فقرا و ثروتمندان به طور مساوی از خدمات آن‌ها برخوردار می‌شدند.

وجوهای نقدی اولین و بیشترین وقفی بود که در ابتدا به بیمارستان‌های اسلامی تعلق می‌گرفت، زیرا برای ساخت بنای بیمارستان و مراکز درمانی، تأمین بودجه کافی، لازم و ضروری بود. خلفا، حکام، پادشاهان، امرا و وزرای مسلمان با کنار گذاشتن مبلغی معین کار بنای ساختمان بیمارستان‌ها را به انجام می‌رساندند و سپس برای تأمین مخارج و هزینه‌های بیمارستان اقدام به وقف برخی از املاک، اراضی و مستغلات خود می‌کردند و به دنبال آن‌ها ثروتمندان جامعه اسلامی نیز با پیروی از آموزه‌های قرآن و سنت نبوی و برای بهره‌بردن از ثواب اخروی باقیات صالحات، با وقف پول، املاک، اراضی و مستغلات متعدد خود، درآمدهای بیشتری را برای بیمارستان‌ها تضمین می‌کردند.

بیمارستان‌ها نیز به سبب داشتن درآمدهای کافی و مستمر، مستقل از افول و ضعف حکام و دولت‌ها، جایگاه خود را در جامعه حفظ می‌کردند و تا زمانی که امور موقوفات آن‌ها مختل نمی‌شد، به فعالیت خود ادامه می‌دادند.

میزان توجه مسلمانان به وقف در تاریخ تمدن اسلامی در زمینه خدمات عام‌المنفعه و به خصوص در بخش بهداشت و درمان گسترده و قابل توجه است. هزینه‌ها و مخارج بسیاری از بیمارستان‌ها و مراکز درمانی سراسر قلمرو اسلامی از طریق موقوفات تأمین می‌شده است.

بیشتر بیمارستان‌های اسلامی از طریق اوقاف یا اموالی که امیران، وزیران و ثروتمندان مسلمان به آن‌ها می‌بخشیدند و یا در وصیت نامه‌های خود، سهمی برای آن‌ها مقرر می‌کردند،

اداره می‌شدند، آنچه بودجه بیمارستان‌ها را به طور مستمر تضمین می‌کرد اراضی، املاک و مستغلاتی بود که مسلمانان برای این مراکز خدماتی وقف می‌کردند. حقوق پزشکان، کارکنان، هزینه‌های درمان بیماران، دارو، بستری‌شدن و مراقبت‌های حین درمان و حتی در مواردی پس از درمان و تغذیه بیماران به همین شیوه و از همین راه تأمین می‌شده است.

همچنین این موقوفات نقش مهم و فعالی در نهضت پیشرفت علم پزشکی ایفا می‌کردند، زیرا در این مراکز نه تنها معالجه بیماران انجام می‌شد، بلکه قسمت‌های مشخصی از درآمدهای موقوفی آن‌ها صرف آموزش دانشجویان علوم پزشکی می‌شده است و این خود اسباب پیشرفت علم پزشکی در اسلام را فراهم می‌کرده است (۴۳). خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی ضمن تأیید مطلب فوق می‌نویسد که: «بیمارستان‌ها گذشته از نقش درمانی، مکانی برای تعلیم طب بودند و در کنار آن‌ها خانه‌هایی وقفی قرار داشت که محل سکونت طبیبان و کارکنان آن‌ها بود» (۴۴).

در میان موقوفات مسلمانان دقیقاً به مواردی برمی‌خوریم که در وقف‌نامه‌ها به طور مشخص اشاره می‌شود که: این وقفی است که برای استفاده دانشجویان علم طب یا وقف برای فعالان عرصه داروسازی، مؤلفان کتاب‌های پزشکی و یا وقف برای کسانی است که در بیمارستان‌ها از بیماران مراقبت می‌کنند (۴۵). در بسیاری از موارد به سبب فراوانی درآمدهای بیمارستان‌ها از طریق املاک فراوان وقفی، نه تنها هزینه معالجه، دارو و غذای بیماران رایگان بود، بلکه پس از بهبودی بیمار لباس و مقداری پول در اختیار او قرار داده می‌شد تا در دوران نقاهت، استراحت کنند و بلافاصله به کارکردن نیازمند نباشند (۴۶).

زیگرید هونکه آلمانی از قول یکی از بیماران این گونه به توصیف بیمارستان‌های دوران طلایی تمدن اسلام می‌پردازد: «هر بیمار هنگام ترخیص از بیمارستان یک دست لباس نو و پنج سکه طلا دریافت می‌کند تا بلافاصله پس از بیماری مجبور نباشد سر کار برود» (۴۷).

استقلال مالی و درآمدی بیمارستانی‌های اسلامی، اصلی‌ترین علت تداوم کار آن‌ها در طول زمان بوده است، زیرا اداره این مراکز در هنگام ضعف و زوال قدرت حکام و دولت‌ها مختل نمی‌شد و هزینه‌های اداره بیمارستان‌ها و مراکز آموزش پزشکی از طریق مختلفی تأمین می‌شد.

در اسلام و تمدن اسلامی همواره سعی شده است تا از راه‌های مختلفی منابع مالی تأسیس و اداره بیمارستان‌ها و مراکز آموزش پزشکی فراهم شود که از جمله مهم‌ترین این راه‌ها اختصاص موقوفات، تخصیص بودجه دولتی به صورت ماهیانه یا سالانه، انجمن‌های خیریه و... بوده است که البته سایر راه‌ها در مقایسه با عمل مهم وقف از اهمیت کم‌تری برخوردار بودند. از ویژگی‌های قابل توجه عمل خدایسندانه وقف در تمدن اسلامی، تنوع این اقدام خدایسندانه برای امور درمانی است که از جمله اشکال آن غیر از وقف اراضی، املاک، وجوه نقدی و مستغلات می‌توان به وقف تخصصی یا توان جسمی افراد برای بیمارستان‌ها و مراکز درمانی اشاره نمود. این نوع وقف‌ها چه از طرف پزشکان و یا سایر مسلمانان، تداوم اداره امور بیمارستان‌ها و مراکز درمانی را تضمین و استفاده از امکانات این مراکز را برای تمام افراد جامعه فارغ از جنسیت نژاد و حتی مذهب به صورت مساوی و رایگان فراهم می‌نموده است.

در بیمارستان‌های اسلامی همه چیز برای عموم بیماران رایگان بود و بیمار بدون تحمل انواع هزینه‌های درمانی و بدون توجه به طبقه و جایگاه اجتماعی‌اش مورد توجه و پذیرش قرار می‌گرفت. بیمارستان‌ها در دوران اسلامی و در طول تاریخ تمدن اسلام غیر از کارکرد درمانی - آموزشی دارای کارکردهای فرهنگی و اجتماعی نیز بوده‌اند و بیماران در دوره بستری‌شدن در بیمارستان ضمن دریافت خدمات درمانی از خدمات فرهنگی و مذهبی داوطلبانی که دارای هنر و تخصص بودند و یا دارای صوت خوش در تلاوت قرآن بودند، بهره می‌بردند، بیماران پس از مرخص‌شدن از بیمارستان کمک‌های نقدی و لباس دریافت می‌کردند تا فوراً مجبور نشوند در دوره نقاهت کار کنند. در مجموع می‌توان ادعا کرد که نظام تأسیس و اداره بیمارستان‌ها در تاریخ تمدن اسلامی بسیار پیشرفته

این توصیف مربوط به یکی از بیمارستان‌هایی است که در حدود هزار سال پیش در سرزمین‌های اسلامی وجود داشته است و بدون شک بهترین بیمارستان‌های حال حاضر را هم در این زمینه نمی‌توان با آن‌ها مقایسه کرد.

از طرف دیگر در کنار حجم بسیار زیاد اوقاف مادی، گروهی از مردم توانایی‌های جسمی خود را وقف بیمارستان‌ها می‌کردند. از جمله گروهی با صدای خوش و دلنشین در بیمارستان‌ها قرآن تلاوت می‌کردند تا بیماران درمند آرامش یابند (۴۸) و گروهی دیگر برای آرامش بیماران موسیقی می‌نواختند و قصه‌گویان برای بیماران قصه می‌گفتند و دسته‌ای با اجرای نمایش‌های ملی مضحک و کمدی در حضور بیماران از دردها و آلام آن‌ها می‌کاستند (۴۹) و در مواردی شب‌ها برای بیمارانی که به دلیل درد و شرایط جسمی دچار بی‌خوابی می‌شدند، قصه‌سرایان حرفه‌ای، قصه و داستان می‌گفتند و در پاره‌ای از موارد کتاب و غالباً کتاب‌های تاریخی را برای این‌گونه بیماران می‌خواندند (۵۰). به همین لحاظ است که باید گفت تاریخ بیمارستان‌های اسلامی ارتباط نزدیکی با تاریخ اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عصر خود داشته و تاریخ آن‌ها بخش جداناپذیری از تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی به حساب می‌آید.

نتیجه‌گیری

در اسلام نقطه شروع و آغاز توجه خاص به حال مجروحان و بیماران را سال پنجم قمری و در جریان جنگ خندق و توسط شخص پیامبر اسلام (ص) باید دانست. همین رویه و سنت نبوی (ص) در توجه به حال مجروحان و بیماران و تخصیص بودجه‌ای، هرچند مختصر از طرف ایشان به امر بهداشت و درمان باعث شد تا در ادامه دولت نبوی، در دوره دولت‌های اموی و عباسی و سایر دولت‌های اسلامی حاکمان مسلمان رسیدگی به امور درمانی و ساخت بیمارستان و مراکز آموزش پزشکی را از وظایف مهم خود تلقی نمایند و به تأسی از آن‌ها سایر امراء، وزرا و ثروتمندان جامعه اسلامی هم در این امر انسانی و خدایسندانه مشارکت کردند و به اشکال مختلف هزینه‌های تأسیس و اداره مراکز درمانی را تقبل نمودند.

بوده، به گونه‌ای که می‌توان آن را از نظام کنونی، تأسیس و اداره بیمارستان‌ها و مراکز آموزش پزشکی به نوعی برتر دانست، چراکه در آن عصر بیمارستانی تأسیس نمی‌شد، مگر آنکه مخارج بیماران و بیمارستان و دستمزد پزشکان و کارکنان آن از محل موقوفه‌های مردم، دولتمردان و امور خیریه تأمین می‌شده است و نه از جیب بیماران و مراجعین. در خاتمه باید گفت که در تمدن اسلامی تاریخ بیمارستان‌ها ارتباط نزدیکی با تاریخ اجتماع، اقتصادی فرهنگی دوران خود داشته و تاریخ آن‌ها بخش جداناپذیری از تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام بوده است.

References

1. Dehkhoda AA. The Dehkhoda Dictionary. 2nd ed. Tehran: Tehran University Publication; 1377. Vol.4 p.5271; Under the Name of the Hospital. [Persian]
2. Sajjadi SS. Hospital. Encyclopedia Isla mica. Delhi: Commonwealsh; 2005. p.249.
3. Ibn Hesham M. Al-Sayra al-Nabawieh. Translated by Sagha M, Anbari E, Shabli AH. Beirut: Dar al-Marafah Pulications; 1986. Vol.2 p.239. [Arabic]
4. Nasr SH. Science and Civilization in Islam. Tehran: Andisheh Publication, House; 1350. p.75. [Persian]
5. Zydan G. History of Islamic Civilization. Translated by Jawar Kalam A. Tehran: Amir Kabir Publications; 1379. p.608. [Persian]
6. Ibn Nadim M. Al-Fihrist. Translated by Tajadd MR. Tehran: Asatir Publications; 1381. p.536. [Persian]
7. Maghrezai A. Al-Muvaiez and al-etebar fi Zakr al-Khatat and al-Asar. Beirut. Dar al-Fakr Publications; 1270 AH. Vol.2. p.405. [Arabic]
8. Karimian H. Ancient Ray. Tehran: Amir Kabir Publications; 1349. Vol.2 p.362. [Persian]
9. Estakhri M. Al-Mesalek and al-Mamalek. Leiden: Keramshire De Goeje; 1961. p.81. [Arabic]
10. Najmabadi M. The History of Medicine in Iran. Tehran: Honarbakhsh Publication; 1341. Vol.2 p.768. [Persian]
11. Ibn Hawkhel M. Sawrata al-Arza. Leiden: Keramshire Printing; 1967. p.455. [Arabic]
12. Ibn Balkhi A. Faresnameh. Edited by Lestrang G, Nicholson R. Tehran: Asather Publication; 1921. p.139. [Persian]
13. Ibn Asir E. Al-Kamel fi al-Tarikh. Beirut: Dar al-Sadar Publication; 1385 AH. Vol.9 p.21. [Arabic]
14. Snavy A. Al-Tabbaghat al-Shafieh. Beirut: Dar al-Sadar Publication; 1407 AH. Vol.1 p.229-230, 314. [Arabic]
15. Aram A. Science in Islam. Tehran: Soroush Publications; 1376. p.165. [Persian]
16. Ibn Battutah M. Rahele Ibn Battutah. Beirut: Dar al-Fakr Publications; 1407 AH. p.363. [Arabic]
17. Ibn Baitar A. Al-Juma al-Mofradat Lel-Adawei and al-Aghzyeh. Beirut: Dar al-Marafah Pulications; 1986, Vol.2 p.15. [Arabic]
18. Magrezi A. Al-Muvaiez and al-Etebar fi Zakr al-Khatat and al-Asar. Beirut. Dar al-Fakr Publications; 1270 AH. Vol.2 p.405-406. [Arabic]
19. Abdul Wahhab H. Al-Teb, al-Arabi fi Afriqiyah. Beirut: Dar al-Fakir al-Arabi Publication; 1958. p.907-914. [Arabic]
20. Magri A. Nafah al-Teb. Edited by Abbasid E. Beirut: Dar al-Fakr Publications; 1968. Vol.2 p.97. [Arabic]
21. Ibn Battuta M. Rahele Ibn Battutah. Beirut: Dar al-Fakr Publications; 1407 AH. p.643-660. [Arabic]
22. Algod S. Iranian Medical History. Translated by Javidan M. Tehran: Javidan Publications; 1379. p.223-250. [Persian]
23. Ghanimeh A. History of the Great Islamic Universities. Translated by Kasai N. Tehran: Tehran University Publications; 1372. p.171. [Persian]
24. Amin A. Zahar al-Islam. Beirut: Dar al-Katab al-Arabi Publications; 2005. p.42. [Arabic]
25. Myrheev M. Man al-Escandirya to Baghdad: The discussion of the history of al-Ta'lim al-Falsafi and the al-Tabi End al-Arabi Althrust al-Yunayani of al-Hazarat al-Islamiyyah. Translated al-Badawi AR. Cairo: Maqaat al-Nahzat al-Mesriya Publications; 1946. p.96. [Arabic]
26. Isa Bik A. History of the Islamic Hospitals. Damascus: Dar al-Ketab; 1939. p.90. [Arabic]
27. Zaydeh N. Damascus in the Mammalic Age. Translated by Jalal al-Din Alam A. Tehran: Scientific and Cultural Publications; 1366. p.94. [Persian]
28. Mohammad Amin M. Wasaegh Vaqf al-Sultan Qalawoon Ala al-Mansouri Hospital. Cairo: Dar al-Fakir al-Arabi Publications; 1972. Vol.1 p.367. [Arabic]
29. Najmabadi M. Medical History in Iran after Islam. Tehran: Tehran University Publications; 1366. p.770. [Persian]
30. Taj Bakhsh H. History of Hospitals in Iran. Tehran: Research Institute for Humanities and Cultural Studies Publications; 1379. p.51. [Persian]
31. Nakhchivani H. Tejarob al-Salaf. Edited by Eqbal A. Tehran: Fardin Printing Publications; 1312. p.336-337. [Persian]
32. Al-Hashemi al-Bassri M. Al-Tbqad al-Kabi. Research by Ghader Ata M. Beirut: Dar al-Ketab al-Elmiah; 1410 AH. Vol.2 p.16. [Arabic]
33. Zarrin Kob AH. The book of Islam. Tehran: Amir Kabir Publications; 1355. p.58. [Persian]

34. Zaydeh N. Damascus in the Mamaluk Era. Tehran: Scientific and Cultural Publications; 1366. p.94. [Persian]
35. Taj Bakhsh H. History of Iranian Hospitals. Tehran: Research Institute for Humanities and Cultural Studies Publications; 1379. p.62. [Persian]
36. Durant W, William J. The Middle East: The Pillar of Civilization (The Age of Iman). Translated by Aram A. Tehran: Islamic Educational Publishing Organization; 1373. Vol.4 p.420. [Persian]
37. Hunke Z. The Culture of Islam in Europe. Translated by Raqani M. Tehran: Islamic Culture Publications; 1373. p.237-240. [Persian]
38. Brown E. History of Islamic Medicine. Translated by Rajabnia M. Tehran: Scientific and Cultural Publications; 1377. p.139-140. [Persian]
39. Ma'alof L. Al-munjad Fee al-Loghate al-Ala'lam. 10th ed. Beirut: Dar al-Maishrq Publications; 1980. p.626. [Arabic]
40. Ibn Jobeir M. Ibn Jabir's Travel book. Translated by Atabaki Mashhad P. Mashhad: Astan Quds Razavi Publications; 1370. p.84-85. [Persian]
41. Ibn Manzor M. Lissan al-Arab. Beirut: Dasadar Publications; 1300 AD. p.395. [Arabic]
42. Ghaffari H. Islamic Economic System. 2nd ed. Tehran: Peyman Noor University Publications; 1388. p.110, 202-210. [Persian]
43. Available at: <https://www.waqfuna.com.com//v/index.pphp>.
44. Hamedani RF. Waqf Nameh Rābīh Rashidi. Edited by Minavi M, Afshar I. Tehran: Tehran University Publications; 1356. p.643-660. [Persian]
45. Monzar G. Al-Dawar al-Etiqasadi, fi Tarmyah al-Mumma al-Madani. Beirut: Dar al-Marafah Pulications; 1423 AH. p.31. [Arabic]
46. Seyyed Hijazi M. Dor-e al-Vaqf fi Tahghigh al-tākāmol al-'ejtmai fi Al-bia al-Islami (1). Kuwait: Aleghtesad al-Islāmi Publications; 1427 AH. p.74. [Arabic]
47. Hunke Z. Islamic Culture in Europe. Translated by Raqani M. Tehran: Islamic Culture Publications; 1373. p.220. [Persian]
48. Shehata A. Al-Qaherah, the Dynasty of Allah Books. Cairo: Darakeh Halal Publications; 1996. p.137. [Arabic]
49. Noubi MH. Qum al-Gafh and al-Nazariy al-Ma'mariyah-Sayyahah al-Mu'aser. *Uqahp Magazine* 2005; 8: 13. [Arabic]
50. Isa Bik A. History of the Islamic Hospitals. Damascus: Dar al-Ketab Publications; 1939. p.142. [Arabic]